

آزوهای بریدارفته

قسمت سی و نهم / گفته پیرمرد را به یاد آورد که از شخصیت و دست و دل پاکي برادر همزادش تعریف می‌کرد تصمیم گرفت در این باره تفحص کند. روز بعد با نشانی که از پیرمرد گرفته بود شرکت مورد نظر را در یکی از خیابان های منطقه شمال شهر پیدا کرد و در اطرافش پرسه زد تا بهانه‌ای برای ورود به این شرکت به‌دست بیاورد اما به‌خاطر شباهتی که به برادرش داشت نمی دانست چه کند.

پس از ساعتی سرگشتگی و انتظار و بالا و پایین رفتن در خیابان چشمش به مردی سالخورده افتاد که از در ورودی ساختمان شرکت بیرون آمد و در چند قدمی وارد یک سوپرمارکت شد. با عینک تیره‌ای که همراهش بود چشم‌هایش را پوشاند و بسرعت خودش را به سوپر رساند. سر و وضعش نشان می‌داد که باید یکی از کارکنان ساده شرکت باشد. کنارش ایستاد و با گردن خمیده و سر فروافتاده گفت:

سلام آقا ببخشید شما تو همین شرکت بغلی کار می‌کنید؟ مرد سالخورده که ته لهجه روستایی داشت، جواب داد:

بله آقا فرمایش؟

غلام پرسید: تو قسمت دفتری؟ نه آقا جان. آبدارچی شرکت هستم. آدمم جای بخرم. کارمندها جای می‌خواستند. چای‌مان تمام شده بود آقا.

غلام عمداً کلاه بافتنی‌اش را از روی پیشانی‌اش بالا کشید، چهره به چهره آبدارچی شرکت ایستاد و در بیخ گوشش به نجوا گفت: میشه بریم بیرون چند کلمه با هم حرف بزنیم؟

مرد بهت زده خیره نگاهش کرد و دهانش نیمه باز ماند.

غلام دوباره سر فرود آورد بازوی آبدارچی را گرفت و در حالی که او را به بیرون می‌کشاند، گفت: چند دقیقه‌ای بریم بیرون. خواهش می‌کنم باید با شما حرف بزنم. من برادر آقای مهران هستم پدر!

مرد که رنگ از صورتش پریده بود چون افسوس شدگان از سوپرمارکت بیرون آمد و غلام او را به رستوران خلوتی در آن سوی خیابان کشاند. رستوران خلوت بود و یک پیشخدمت داشت میزها و صندلی‌های خالی را مرتب می‌کرد. غلام آبدارچی شرکت را به گوشه دنجی کشاند و روبه‌رویش نشست. عینک تیره‌اش را برداشت و گفت: من برادر آقای مهران هستم. ما دوقلو هستیم. حتماً خیلی شبیه هم هستیم این‌طور نیست.

مرد با حالت تحسین آمیزی که بر چهره بهت زده‌اش نقش بسته بود، گفت: قدرت خدا را باش آقا مثل دو نیمه سیب. آقا مهندس چطورن؟ حال‌شان خوبه آقا؟ خدا ذلیل‌شان کنه دشمنان‌شان را که حتم دارم پاوش برایشان درست کردن آقا. می‌دانم مهندس اهل این حرف‌ها نیست همه کارمندان شرکت دوستش دارند. باور نمیشه کرد بیشتر سهامی که در شرکته مال آقا مهندس هست. مال خودشانه آن وقت بیاد پول‌های خودش را بدزد.

ادامه روز شنبه |

قتل همسر به خاطر مطالبه مهریه

گروه حوادث/ شوهر عصبانی پس از آنکه فهمید همسرش مهریه خود را به اجرا گذاشته در اقدامی هولناک، با خودرو او را زیر گرفت. جعفر رضوانی - بخشدار «رخ» - در تشریح این خبر به ایرنا گفت: این زوج از اهالی روستای «سرهنگ» واقع در بخش رخ تربت حیدریه هستند. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد همسر مقتول با مراجعه به دادگاه مهریه خود را به اجرا گذاشته و زمین و دیگر اموال همسرش را مطالبه کرده بود. قاضی ابتدا دستور صلح و سازش در پرونده داد اما کار به دعوا و مشاجره لفظی کشید و مرد ناگهان کنترل خود را از دست داد و با خودرو همسرش را زیر گرفت.



عکس

تیراندازی به استاد دانشگاه اهواز

گروه حوادث/ یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز بر اثر اصابت گلوله به بازویش مجروح شد.مهران ورناصری، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور- استان خوزستان- به فارس گفت: این حادثه شامگاه دوشنبه در محوطه کوی استادان دانشگاه رخ

بستری است. به‌گفته پلیس، این گلوله از محل ناگهان به بازوی این استاد دانشگاه که در حیاط محل اسکان استادان ایستاده بود برخورد کرد و باعث جراحت شد. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

از سوئد تا ایران در جست و جوی والدین



تینا



تجویل کلانتری شهری شد. از آنجا که به نظر نمی‌رسید بیش از ۵ روز از تولد او گذشته باشد و اثری نیز از خانواده‌اش نبود، دختر کوچولو با حکم دادسرای تهران به شیرخوارگاه آمنه تحویل داده شد. پرونده تشکیل و روی آن نوشتند: «شیرین تقوایی منش»، «شیرین» ۹ ماه میهمان مددکاران بود تا اینکه اتفاقی جالب، سرنوشت او را به کلی تغییر داد.

سوئد به آن سوی مرزها «شیرین» با اینکه نمی‌توانست راه بی رود اما یاد گرفته بود مادر و پدری را که هیچ وقت ندیده با زبان کودکانه‌اش صدا کند. ۹ ماه از زندگی نوزاد سرراهی در شیرخوارگاه می‌گذشت که زن و مردی سوندی، برای گرفتن سرپرستی کودکی به آنجا رفتند. زوج جوان با هزاران آرزو و به امید یافتن فرزندی دلخواه پرونده‌های زیادی را بررسی و سرانجام هر دو به اتفاق «شیرین» را انتخاب کردند. کارهای قانونی انجام شد و دخترک سرراهی با نام «جسیکا» همراه پدر و مادر جدیدش به آن سوی مرزها سفر کرد.

واقعه‌یی که پس از ۵ سال فاش شد «جسیکا» از وقتی خودش را

شناخت در خانواده «پترشون» و در شهر «تورشوپینگ» سوئد زندگی می‌کرد. ۵ سال داشت که «استلان»، پدرخوانده‌اش با معرفی کشور ایران به او، راز زندگی گذشته‌اش را فاش کرد. اما «جسیکا» هنوز کوچکتر از آن بود که بتواند حرف‌های پدر را درک کند. او نه تنها ایران را نمی‌شناخت بلکه حتی یک کلمه فارسی هم یاد نگرفته بود. هر چه می‌گفت و دنیای

دور و برش را بیشتر می‌شناخت علاقه‌اش به کشف گذشته مبهمش بیشتر می‌شد. پدر و مادر خوانده پدرخوانده‌اش با معرفی کشور ایران به او، راز زندگی گذشته‌اش را فاش کردند و از هیچ کاری برای شاد کردن او دریغ نمی‌کردند اما دخترک از زمانی که به واقعیت گذشته‌پی برده بود دیگر خودش را ایرانی می‌دانست و دنبال راهی برای یافتن گذشته‌اش

دور و برش را بیشتر می‌شناخت علاقه‌اش به کشف گذشته مبهمش بیشتر می‌شد. پدر و مادر خوانده پدرخوانده‌اش با معرفی کشور ایران به او، راز زندگی گذشته‌اش را فاش کردند و از هیچ کاری برای شاد کردن او دریغ نمی‌کردند اما دخترک از زمانی که به واقعیت گذشته‌پی برده بود دیگر خودش را ایرانی می‌دانست و دنبال راهی برای یافتن گذشته‌اش

در حسرت دیدار مادر «جسیکا» با حمایت خانواده‌اش درس خواند و ازدواج کرد. اما پس از سال‌ها زندگی مشترک با داشتن دو پسر از همسرش جدا شد. او که حالا در ۴۲ سالگی طعم مادری را چشیده که هزاران سؤالی که در ذهن دارد به‌دنبال خانواده‌اش می‌گردد. «جسیکا» به خبرنگار «ایران» گفت: «احساس می‌کنم نیمه‌ای از وجودم



طیغ پور

ملاقات نزدیک با پلنگ‌های وحشی

بازدیدکنندگان یک باغ وحش در امارات می‌توانند با دست به پلنگ‌ها غذا بدهند. به گزارش خلیج نیوز، غذا دادن به پلنگ‌ها فرصتی به بازدیدکنندگان می‌دهد تا از نزدیک آنها را ملاقات کنند. قبل از این ملاقات، کارشناسان و متخصصان مراقبت از حیوانات روش‌های بی‌خطر نزدیک شدن به پلنگ‌ها را توضیح می‌دهند. این ملاقات برای هر بزرگسال معادل ۱۷۰ درهم و برای کودکان حدود ۲۶۰ درهم است. در هر بار ملاقات نیز فقط ۶ نفر می‌توانند به پلنگ‌های گرسنه غذا بدهند.

لاک‌پشت‌های مینیاتوری

دو لاک‌پشت کوچک آمریکایی به‌خاطر تصاویر دیدنی‌شان، طرفداران زیادی در اینستاگرام پیدا کرده‌اند. به گزارش دبلیو میل، «اسکویشی و ززی» ماه‌ها است که با لباس‌های متفاوت در موقعیت‌های جالب و باورنکردنی ژست‌های شگفت‌انگیزی در مقابل دوربین صاحب‌شان می‌گیرند. تصاویر این دو که در آپاراتمانی در نیویورک و توسط صاحب‌شان گرفته شده زندگی لاکپری این دو موجود کوچک و دوست‌داشتنی را نشان می‌دهد. آنها به خاطر موتورسواری، شنا، صرف قهوه و قدم زدن زیر باران از محبوبیت خاصی برخوردار شده‌اند.



پنل میل

جشنواره گربه‌های زیبا



شینپوا

نمایشگاهی از گربه‌های زیبا در شهر آنکارا ترکیه برگزار شد. به گزارش شینپوا، صاحبان این گربه‌ها با گذاشتن تاج‌های گل بر سر گربه‌های خود سعی دارند تا زیبایی آنها را به نمایش بگذارند. در طول جشنواره گردشگران زیادی از این گربه‌های دیدنی بازدید کردند.

چشم مصنوعی ۵ هزار ساله

نخستین چشم مصنوعی جهان با قدمت ۵۰۰۰ ساله کشف شد. به گزارش بی‌بی سی، باستان‌شناسان این چشم مصنوعی را در اسکلت جمجمه یک زن در شهر سوخته زایل پیدا کرده‌اند که پس از گذشت قرن‌ها همچنان سالم باقی مانده است. جالب است بدانید که در ساخت این چشم مصنوعی از چربی جانوری استفاده شده است. علاوه بر آن، روی این چشم مصنوعی ریزترین مویرگ‌های رزون چشم به وسیله مقتول‌های طلایی به قطر کمتر از نیم میلیمتر به طرز اعجاب‌انگیزی طراحی شده‌اند.



سگنی

نجات دزد از دودکش

دزد بدشانس که داخل لوله دودکش گیر کرده بود آنقدر گریه کرد تا همسایه‌ها به کمکش آمدند. به گزارش میرر، «لوسیانو د اولیویرا» قصد داشت برای دزدی از طریق دودکش وارد ساختن بشود که همانجا گرفتار شد. وی که حدود ۴ ساعت در وضعیتی بد داخل لوله تنگ و تاریک گیر کرده و حالش بد شده بود شروع به فریاد زدن و گریه و زاری کرد. تا اینکه چند زن نیمه شب هنگام بازگشت از مراسم عروسی صدای گریه‌های این سارق را شنیدند و با آتش‌نشانی تماس گرفته و درخواست کمک کردند.

تصاویر منتشر شده از عملیات نجات این سارق نشان می‌دهد که وضعیت او پس از نجات بسیار وخیم بوده و آتش‌نشانان او را به نزدیک‌ترین بیمارستان منتقل کردند.



عبور

حوادث جهان

آرزو کیهان مترجم

فروش کدوتنبل برای خرید سگ



ساز

خواهرو برادر امریکایی برای نگهداری از یک سگ خانگی مجبور شدند کدوتنبل‌های پرورشی‌شان را بفروشند. به گزارش سان، «ایان» ۶ ساله و خواهرش که مبتلا به دیابت نوع یک هستند با این کار سوژه رسانه‌ها شدند. این بچه‌ها که نیاز به مراقبت پزشکی دائم دارند از والدین خود خواستند تا برایشان یک سگ بخرد اما خانواده آنها با توجه به شرایط مالی قادر به خرید سگ نبودند به همین خاطر این دو خواهر و برادر قول داده‌اند که خودشان با فروش کدوتنبل‌های پرورشی هزینه‌های خرید و نگهداری سگ را تأمین کنند.

راهنمایی در مسیر مخالف حرکت خودروها را ندگی می‌کرد باعث تصادف شدید و بسته شدن بزرگراهی در انگلیس شد.

راننده دیوانه که در مسیر مخالف حرکت خودروها را ندگی می‌کرد باعث تصادف شدید و بسته شدن بزرگراهی در انگلیس شد. به گزارش یاهو، این خودرو با سرعت بالا به میان خودروهای مسیر مخالف رفت و همین کار باعث شد ۶ خودرو با یکدیگر برخورد کنند و بزرگراه آکسفورشایر انگلیس بسته شد. در پی این حادثه مأموران پلیس وارد عمل شدند اما نتوانستند راننده متخلف را دستگیر کنند. گزارش‌های رسیده نشان می‌دهد که این حادثه چند زخمی نیز به همراه داشته که به بیمارستان منتقل شده‌اند.



آپ

خودکشی ملارد بعد از قتل ۴ فرزند



زن آمریکایی در ایالت تنسی ۴ فرزندش را به رگبار بست و سپس خودکشی کرد. براساس گزارش کانال ۵ امریکا، رسانه‌های آمریکایی از کشف ۵ جسد متعلق به یک خانواده در خانه‌ای در شهر مائوری ابالت تنسی در این کشور خبر دادند. منابع پلیس گفته‌اند که یک مادر به ۴ فرزند خود شلیک کرده و آنها را کشته و سپس خودش نیز خودکشی کرده است. تحقیقات در این پرونده از سوی پلیس ادامه دارد.